

Original Article

Unconventional Sex and its Jurisprudential Effects

Omolbanin Ramzanzade^{1*}, Habibollah Choopani Morsi², Moosa Zarghi³, Mahmoud Abbasi⁴

1. Assistant Professor of private law, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

Email: oramzanzade@yahoo.com

2. Graduated from Mazandaran University, Babolsar, Iran.

3 Assistant professor of Hakim Sabzevari University, Mashhad, Iran.

4. Associate Professor, Head of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Received: 28 Apr 2018 Accepted: 11 Sep 2018

Abstract

Sexual relationship between couples sometimes happens in the usual way (Sex through the vagina) and sometimes in an unusual way (anal sex), which has medical and jurisprudential effects. Anal sex has harmful effects on both man and woman such as transmission of diseases, incontinence of feces in woman, etc. from the point of jurisprudence, anal sex can have effects on Term of widowhood which is an important subject in family law. In this paper this question is asked whether the Term of widowhood of divorce is for absolute sex or it is just related to sex through vagina. This discussion has somehow been raised in the first part of Article 1155 of the Civil Law, and it is considered necessary for the absolute closeness. Among the well-known jurists there is a consensus that the divorced woman should take Term of widowhood if she had each kind of sex. People who has this idea citing verbal and non-verbal reasons. The authors, with a deep examination and critique of each of these arguments, have concluded that the necessity of Term of widowhood is only related to the state of sex through vagina, and the anal sex doesn't require Term of widowhood. In view of the above jurisprudential result, it is possible to amend Article 1155 of the Civil Law.

Keywords: Sex; Relationship; Vagina; Anal; Term; Widowhood

Please cite this article as: Ramzanzade O, Choopani H, Zarghi M, Abbasi M. Unconventional Sex and its Jurisprudential Effects. *Feghh Journal* 2018; 10(34-35): 91-102.

آمیزش نامتعارف و پیامدهای فقهی آن

ام‌البنین رمضان زاده^{۱*}، حبیب‌اله چوپانی مرسی^۲، موسی زرقی^۳، محمود عباسی^۴

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: oramzanzade@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه مازندران و مدرس دانشگاه، بابلسر، ایران.

۳. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری، مشهد، ایران.

۴. دانشیار، رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۸ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۰

چکیده

آمیزش میان زوجین گاه به صورت متعارف (وطی در قُبُل) و گاه به صورت نامتعارف (وطی در دُبُر) انجام می‌شود که این استمناعات آثار و پیامدهایی هم از لحاظ پزشکی و هم از لحاظ فقهی دارد. از نظر پزشکی آمیزش نامتعارف اثرات سوئی همچون ابتلا به برخی امراض و انتقال بیماری‌ها، بی‌اختیاری مدفوع در زن و... را به دنبال دارد. از لحاظ فقهی نیز این نوع آمیزش نامتعارف (وطی در دبر) بر مسأله عده، که یکی از موارد مهم در حوزه حقوق خانواده است تأثیرگذار است. در این نوشتار به این مسأله پرداخته شده که آیا عده طلاق برای مطلق نزدیکی وضع شده است یا این که فقط مربوط به نزدیکی در قبل که روش آمیزش متعارف است، می‌باشد؟ این بحث به نحوی در قسمت ابتدایی ماده ۱۱۵۵ ق.م نیز مطرح شده و از آن وجوب عده برای مطلق نزدیکی برداشت می‌شود. در میان فقها نیز مشهور قریب به اجماع بر این باورند که بر انثای مطلقه در صورت نزدیکی چه از قبل باشد و چه از دبر، عده واجب است؛ قائلان به وجوب عده در صورت وطی در دبر به دلایل لفظی و لبی استناد جسته‌اند. نگارندگان با بررسی و نقد هر یک از این ادله به این نتیجه دست یافته‌اند که وجوب عده تنها مرتبط به حالت نزدیکی در قبل است و نزدیکی در دبر ذیل حکم وجوب عده قرار نمی‌گیرد. با توجه به نتیجه فقهی فوق، می‌توان ماده ۱۱۵۵ ق.م را نیز اصلاح نمود.

واژگان کلیدی: آمیزش؛ وطی در قبل؛ وطی در دبر؛ عده

مقدمه

زوجین به طرق مختلف از یکدیگر استمتاع و بهره جنسی می‌برند که از این میان برخی از اقسام استمتاع مثل نزدیکی در قبل متعارف و برخی چون وطی در دبر غیر متعارف هستند. وطی در دبر از منظر پزشکی دارای مضرات زیادی است و آثار سوئی بر طرفین رابطه جنسی بر جای می‌گذارد که در تحقیق حاضر به آن‌ها پرداخته می‌شود، اما این مسأله تنها موضوع قابل بحث در این زمینه نیست، بلکه در زمینه وطی در دبر بحث‌های زیادی مطرح است، از جمله حکم تکلیفی این وطی، اثبات حق زوجه بر مهریه کامل در صورت وطی در دبر و...، اما آنچه در این نوشتار به طور خاص محل بحث است پس از ذکر مضرات این نوع آمیزش، بررسی اثر وطی در دبر بر موضوع عده است. عده در اصطلاح فقها عبارت از تربص (حالت انتظار) شرعی است که زن بعد از طلاق و زوال نکاح و یا وفات لازم است مدتی درنگ کرده، سپس شوهر دیگر اختیار کند (۱). در مبحث عده نیز مسائل مختلفی مطرح است، از جمله مدت زمان عده، تأثیر وضعیت فیزیولوژیکی زنان بر مدت عده، انتقال منی به رحم از طریق غیر از نزدیکی و تأثیر آن بر عده، تأثیر نحوه جدایی زن و مرد در شکل عده و... که در این بین نوشته حاضر به این موضوع می‌پردازد که آیا صرفاً وطی در قبل که روش آمیزش متعارف است نیازمند نگاه‌داشتن عده است یا وطی در دبر که آمیزش نامتعارف محسوب می‌شود نیز تحت حکم وجوب عده قرار دارد؟ پاسخ سؤال مطروحه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که اگر صرف نزدیکی از دبر علت وجوب عده دانسته شود، بسیاری از موارد انحلال نکاح، مستلزم نگاه‌داشتن عده و دغدغه‌های بعدی برای زوجه است، ولی اگر وطی در دبر موجب عده نباشد، زوجه به محض جداسدن از همسر اول، می‌تواند به زندگی عادی برگردد و دورانی به نام عده را سپری نکند، به عنوان مثال به محض جدایی سایرین می‌توانند از او خواستگاری کنند و زن مجدداً ازدواج کند.

مطالب مرتبط به سؤال اخیر این پژوهش در قسمت ابتدایی ماده ۱۱۵۵ ق.م نیز مطرح شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «زنی که بین او و شوهرش نزدیکی واقع نشده و

همچنین زن یائسه، نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح، ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود.» منطق قسمت ابتدایی این ماده در مورد سؤال اصلی این پژوهش بیان می‌کند: بر زنی که بین او و شوهرش نزدیکی رخ نداده، عده واجب نیست. مفهوم مخالف این ماده نیز بیان می‌دارد: زنی که بین او و شوهرش نزدیکی واقع شده، باید عده نگه دارد. این ماده نه منطوقاً و نه مفهوماً دلالت صریحی بر وجوب نگاه‌داشتن عده در فرض وطی در دبر ندارد، لیکن آنچه از ظاهر ماده بر می‌آید این است که نزدیکی به طور مطلق بیان شده و شامل نزدیکی در دبر و قبل می‌شود. بررسی دیدگاه اندیشمندان حقوق در مورد این ماده نیز مؤید این برداشت است؛ برخی از حقوقدانان در ذیل این ماده نزدیکی را به طور مطلق بیان داشته‌اند که این شیوه بیان، ظاهر در ثابت‌دانستن عده در هر دو فرض نزدیکی در قبل و دبر است (۲-۳). برخی دیگر از حقوقدانان صراحتاً بیان کرده‌اند منظور از نزدیکی در ماده فوق، وطی در قبل و همچنین وطی در دبر است (۴-۶). بنابراین برداشت حقوقدانان از متن ماده پیش‌گفته این است که چه نزدیکی از قبل باشد و چه از دبر، عده بر انثای مطلقه واجب است. راجع به قسمت ابتدایی ماده ۱۱۵۵ ق.م رای وحدت رویه‌ای از سوی دیوان عالی کشور صادر نشده است، اما رویه حاکم در دادگاه‌ها حسب اطلاع، این است که مطلق نزدیکی سبب وجوب عده خواهد شد. با توجه به این‌که ماده ۱۱۵۵ ق.م از مبانی فقهی برخوردار است، در این نوشتار برای پاسخ به سؤال اخیر پژوهش، ابتدا اقوال مطروحه از سوی فقها در مانحن فیه نقل و در ادامه ادله قول مشهور مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته و سپس قول برگزیده مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

آثار سوء آمیزش نامتعارف بر طرفین رابطه جنسی

وطی در دبر از اقسام آمیزش نامتعارف است که از نظر پزشکی، هیچ پزشکی چنین رابطه‌ای را توصیه نمی‌کند و نه‌تنها هیچ نظریه‌ای مبنی بر سالم‌بودن و بی‌ضرر بودن این رابطه ارائه نگردیده است، بلکه این رابطه همیشه از نظر پزشکی نقض گردیده است (۷). وطی در دبر به صورت مکرر

عمل می‌کنند. زمانی که انسان احساس می‌کند که نیاز به عمل خروج مدفوع از دریچه مقعد را دارد، به طور غیر ارادی اسفنکتر داخلی باز می‌شود، اما عمل بازکردن دریچه مقعد (اسفنکتر خارجی) و در کل دفع مدفوع ارادی است، اما رابطه جنسی از راه مقعد یا کلاً وارد شدن هر شیئی در درون مقعد باعث آسیب‌دیدگی اسفنکتر خارجی شده و باعث می‌شود که دریچه خروجی مقعد (Anal) به درستی کار خودش را انجام ندهد، یعنی از قدرت ارادی خارج می‌شود. پس به مرور زمان امکان ارادی خروج مدفوع در فرد از بین می‌رود. در این صورت ناخواسته و غیر ارادی مدفوع از دریچه مقعد خارج می‌شود. آمیزش نامتعارف همچنین سبب بروز بیماری‌هایی چون سرطان مقعد، هموروئید، سرطان دهانه رحم و... در زن می‌شود (۱۰). تحقیقات پزشکی نشان داده است میزان شیوع سرطان مقعد در کسانی که از این نوع آمیزش استفاده می‌کنند، بیشتر است (۱۱).

عارضه دیگری که آمیزش از طریق مقعد برای زن دارد، این است که چون لذت حقیقی جنسی برای زن از طریق آمیزش از فرج و مجرای تناسلی حاصل می‌شود نه از طریق مقعد، بنابراین زن دچار سردمزاجی و بی‌میلی جنسی شده و در آینده نزدیک خود را موجودی می‌یابد که وسیله دفع شهوت شوهرش شده و خودش نباید از این گزینه خدادادی لذتی ببرد (۹). مضاف بر این‌که در این نوع رابطه معمولاً مردان تصویری از میزان درد و اضطرابی که زن ممکن است متحمل آن شود ندارند (۱۲).

۳- مضرات وطی در دبر برای مرد (فاعل)

مقعد محل ذخیره فضولات دستگاه گوارش (مدفوع) است که حاوی میکروب‌های زیادی است. در اثر مالش و دخول آلت این میکروب‌ها می‌توانند وارد دستگاه تناسلی مرد شده، خود او را به عفونت‌های خاصی مبتلا سازند، در حالی که مقاربت از راه واژن یا فرج چنین عوارضی به همراه ندارد.

از آنجا که دهانه مقعد دارای ماهیچه‌ای حلقوی است، مانند یک کش محکم دور آلت مرد را گرفته و در لحظه خروج منی مانند یک سد عمل می‌کند و در اثر این عمل احتمال

هم برای زن و هم برای مرد فاعل عوارض جدی را به دنبال خواهد داشت که برخی از اثرات مشترک و برخی مختص به هر یک از زن و مرد است که به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱- اثرات سوء مشترک میان زن و مرد

در رابطه جنسی نامتعارف امکان انتقال بیماری‌های واگیردار مثل ایدز و هپاتیت به مراتب بیشتر از رابطه جنسی متعارف است (۸). به عنوان مثال در مواردی که هر یک از طرفین رابطه جنسی، آلوده به ویروس HIV باشند، امکان انتقال آن به طرف دیگر بیشتر از رابطه واژینال می‌باشد. با این توضیح که دیواره داخلی روده بزرگ (بخش داخلی مقعد) خود قابلیت جذب مستقیم مواد و انتقال مستقیم آن به خون را دارد. حلقه خروجی جداره مقعد به دلیل این‌که مانند واژن قابلیت ارتجاعی و انعطاف‌پذیری لازم برای نزدیکی و حرکت رفت و برگشتی آلت تناسلی مرد را ندارد، در نتیجه احتمال خراش برداشتن و خونریزی آن بسیار بالاست. این خراش‌ها و بریدگی‌ها اغلب در بافت و بسیار ریزند و معمولاً با چشم غیر مسلح قابل دیدن نیستند، اما احتمال سرایت بیماری از طریق این خراش‌های ریز به شخص فاعل وجود دارد. از طرف دیگر مایع منی به میزان قابل توجهی قادر به حمل ویروس اچ‌آی‌وی می‌باشد و در صورتی که شخصی به صورت مفعول در آمیزش مقعدی شریک باشد و مایع منی از طریق مقعد وارد بدن وی شود، در صورت آلوده‌بودن فاعل، خطر زیاد انتقال ویروس اچ‌آی‌وی به وی وجود دارد. بیماری‌های دیگری مثل سرطان بوون (BOWEN) که یکی از انواع سرطان‌های پوستی نادر است نیز در افرادی که از روش‌های نامتعارف در رابطه جنسی استفاده می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود (۹).

۲- آثار سوء آمیزش نامتعارف بر زن

از جمله عوارض سوء وطی در دبر بر زن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. وطی در دبر به تدریج سبب فراخترشدن مقعد می‌شود، در آمیزش از این طریق به مرور چین‌های مخاطی مقعد از بین می‌رود و در موارد پیشرفته نارسایی عضله اسفنکتر مقعد و بی‌اختیاری مدفوعی نیز ایجاد خواهد شد. با این توضیح که در محل ورود و خروج معده، عضلات حلقوی به نام «اسفنکتر (Sphincter)» وجود دارند که به عنوان دریچه

پس زدن منی به عقب و فشار به کیسه‌های منی و غده پروستات و عوارض ناشی از آن خیلی زیاد است.

و نکته آخر این که از جمله عوارض مقاربت از راه مقعد ابتلای مرد به زودانزالی در آینده است، در نتیجه نمی‌تواند آن‌گونه که باید از همبستری با همسرش لذت ببرد. بنابراین دچار سردمزاجی شده و مشکلات روحی پیدا خواهد کرد (۹).

اثر آمیزش نامتعارف بر وجوب عده

مطابق با نظر برخی فقیهان از اثرات آمیزش میان زوجین این است که در صورت انحلال نکاح چنانچه میان زوجین نزدیکی واقع شده باشد، زوجه باید عده نگه دارد، چنانچه نزدیکی میان زوجین از قبل که شکل متعارف است، باشد، شکی در وجوب عده نیست، اما چنانچه نزدیکی در دبر باشد، این مسأله محل تامل است. از همین رو در مباحث بعدی به نظرات فقها در این خصوص خواهیم پرداخت.

۱- اقوال فقیهان در مسأله

در رابطه با وجوب عده در صورت وطی در دبر در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ اکثر فقهای متقدم قائل به وجوب عده در صورت مطلق وطی هستند و برخی نیز آن را صرفاً مختص به حالت وطی در قبل می‌دانند. در زیر به نظرات این دو دسته از فقها و دلایل هر کدام پرداخته خواهد شد و در نهایت نظر برگزیده نیز مطرح خواهد شد.

۱-۱- قائلین به وجوب عده بر مطلق وطی: اکثر فقهای

متقدم بیان کرده‌اند که اگر بعد از دخول، طلاق به وجود آید، زوجه باید عده نگه دارد (۱۶-۱۳). این دسته از فقها تصریح نکرده‌اند که منظورشان از دخول، تنها وطی در قبل است یا مطلق قبل و دبر مراد است. بعد از دوره متقدمین، فاضل آبی برای اولین بار، بدون استناد به دلیل خاصی برای مطلق نزدیکی عده را واجب دانسته است (۱۷). بعد از ایشان، ابن فهد حلی (۱۸)، فاضل هندی (۱۹)، شیخ جواهری (۲۰) و شهید ثانی (۲۱) نیز دخول را وطی در قبل و دبر دانسته‌اند. از بین فقیهان متأخر، محقق کرکی در جامع المقاصد بیان می‌دارد: «وطی در دبر در جمیع احکام با وطی در قبل یکی است از

جمله در مهر و عده» (۲۲)، امام خمینی نیز همین دیدگاه را در مورد وطی در دبر ارائه کرده‌اند (۲۳).

۲-۱- قائلین به عدم وجوب عده بر وطی در دبر:

اولین فقیهی که وجوب عده را منحصر در وطی در قبل می‌داند، علامه حلی است. وی دخول را در باب عده، تنها ایلاج حشفه در قبل تفسیر کرده و نگاشته: دخول با ایلاج حشفه در قبل محقق می‌گردد و در ادامه تصریح می‌کند به این که وطی در مادون فرج موجب عده نیست (۲۴). محقق بحرانی نیز، در مورد این که وطی در دبر در جمیع احکام با وطی و آمیزش در قبل یکی است، اشکال وارد کرده است، وی منکر وجود نص صریحی در زمینه وجوب عده بر وطی در دبر شده و به دیده تردید به حکم وجوب عده بر وطی در دبر نگریسته است (۲۵). بنا بر آنچه نقل شد، در موضوع عده با دو قول مواجه هستیم: اکثر فقهای عظام معتقدند حتی در صورت نزدیکی از دبر، انثای مطلقه باید عده نگه دارد؛ در مقابل شوادی از فقیهان بر این باور هستند که تنها در صورت وطی در قبل، سپری نمودن عده واجب است.

۲-۲- دلایل قائلان وجوب عده بر مطلق نزدیکی و ارزیابی

آن‌ها

طرفداران وجوب عده در صورت نزدیکی در دبر، به دلایل لفظی و لبی استناد جسته‌اند. بعضی از فقها افزون بر آیه شریفه قرآن به روایت نیز تمسک نموده‌اند (۲۶). برخی دیگر از آنان تنها روایت را به عنوان دلیل وجوب عده در صورت وطی در دبر معرفی کرده‌اند (۱۹، ۲۷). عده‌ای دیگر از فقها با مناقشه در دلالت ادله لفظی مورد استناد، اجماع را به عنوان تنها دلیل وجوب عده در صورت آمیزش در دبر ذکر کرده‌اند (۲۸). در ادامه، دلایل مورد استناد مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- آیه شریفه ۴۹ سوره احزاب: اولین مستند فقهای

قائل به وجوب عده در وطی به دبر آیه شریفه ۴۹ سوره احزاب است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبسترشدن طلاق دادید، عده‌ای برای شما بر آن‌ها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه

عده واجب می‌شود؟ ابوعبدالله فرمودند: بعد از دخول در فرج، غسل و مهر و عده واجب می‌شود. برخی از فقها با این استدلال که چون دخول در روایت، اطلاق دارد، وطی در قبل و نیز وطی در دبر را سبب وجوب سپری نمودن عده دانسته‌اند (۲۶-۲۷).

اما در مقابل، برخی از فقها برداشت مطلق نزدیکی از روایت فوق‌الذکر را مورد مناقشه قرار داده و آورده‌اند: اگر اجماع وجود نداشت، این دیدگاه که متبادر از دخول وطی در دبر نیست، قابل مناقشه است (۴۰). در مقام تأیید ادعای صاحب ریاض باید گفت: در روایت عبدالله بن سنان، ضمیر موجود در *أَدْخَلَهُ*، مرجعش فرج است، لذا قائلان وجوب عده در وطی بر دبر نمی‌توانند به اطلاق دخول استناد کنند و شاید به همین خاطر، برخی از فقها به این دلیل که دبر احدالفرجین است قائل به وجوب عده در صورت وطی در دبر شده‌اند (۴۱). جهت دستیابی به صحت یا سقم این ادعا که دبر احدالفرجین تعریف شده است، معناشناسی واژه فرج ضروری است. جهت پی‌بردن به ماهیت فرج، سؤالی که طرح می‌گردد، این است که فرج عنوانی عرفی است و یا موضوعی شرعی؟ به عبارتی دیگر، واضع و جاعل آن عرف است یا بیان حدود و ثغورش در اختیار شارع؟ در پاسخ به پرسش مطروحه باید بیان داشت: فرج موضوعی عرفی است، زیرا تعریفی که منعکس‌کننده ماهیت فرج باشد، در روایات معصومین (ع) وجود ندارد. بنابراین وقتی تعریفی از فرج در روایات وجود ندارد، جهت یافتن مفهوم فرج باید به عرف رجوع کرد. به قول مرحوم کاشف‌الغطا، فقیه به هر درجه‌ای از فقاقت هم که رسیده باشد، باز هم چاره‌ای نیست که در تشخیص موضوع به عرف مراجعه کند (۴۲). امام خمینی (ره) نیز بیان داشته‌اند: میزان در تشخیص موضوعات عرفیه و مصادیق آن، عرف است و حتی اگر بین مجتهد و مقلد اختلاف باشد، باید از عرف نظرخواهی کنند (۴۳)، زیرا اگر شارع معنای خاصی را اراده کرده و آن را بیان نماید، باید همان معنای شرعی را مورد توجه قرار داد و در این صورت معنای شرعی واژه بر معنای عرفی و لغوی آن مقدم است (۴۴)، در غیر این صورت در شریعت ثابت شده که لفظی که وضع شرعی ندارد، به عرف ارجاع داده می‌شود (۴۵)، زیرا اگر

دارید، آن‌ها را با هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهایشان کنید.

عده‌ای از فقها، با این ادعا که «مس» در آیه شریفه فوق، دخول در قبل و دبر است، آن را مستند وجوب عده در صورت وطی در دبر دانسته‌اند (۲۶).

در نقد ادعای مذکور باید گفت: برخلاف مرحوم کاشف‌الغطاء که مس در آیه شریفه را به معنای دخول در دبر و قبل معنا کرده‌اند، مفسران بزرگ قرآن کریم، مس را به معنای انجام عمل زناشویی و یا آمیزش جنسی دانسته‌اند و به این مورد تصریح نکرده‌اند که منظور از دخول، وطی در دبر است یا وطی در قبل (۳۱-۲۹). همچنین نگارندگان با تتبع در مجامع لغوی معتبر عربی به نظری دست نیافته‌اند که صراحتاً مس را دخول در دبر و قبل معنا کرده باشد (۲۰، ۳۹-۳۲). شاید بتوان گفت با توجه به این‌که در آیه ۴۷ سوره آل عمران خداوند از قول حضرت مریم (س) می‌فرماید: «وَلَمْ يَمْسَسُنِي *بَشْرًا*» و با عنایت به این‌که این آیه در مورد صاحب فرزند شدن حضرت مریم (س) نازل شده است، این احتمال وجود دارد که مس در آیات شریفه قرآن برای وطی در قبل استعمال شده است. همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که با وجود روایت‌های صحیح که دلالت دارند بر این‌که تنها با وطی در قبل عده واجب است، برداشت مطلق دخول از آیه ۴۹ احزاب، از سوی کاشف‌الغطاء چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

بنا بر آنچه بیان شد، دلالت آیه شریفه ۴۹ سوره مبارکه احزاب، بر این‌که حتی در صورت وطی در دبر، زن مطلقه باید عده نگه دارد، چندان واضح نیست. بنابراین قائلان وجوب عده در دبر نمی‌توانند به آیه مذکور استناد نمایند.

۲-۲- روایت عبدالله بن سنان: دومین مستند فقیهان

قائل به وجوب مطلق نزدیکی روایت عبدالله بن سنان است: در این روایت امام صادق (ع) می‌فرماید: در حالی که من حاضر بودم، مردی از پدرم پرسید: اگر کسی با زنی ازدواج کند و آن زن به منزل همسرش داخل شود و زوج قبل از نزدیکی او را طلاق بدهد، آیا نگاهداشتن عده بر ایشان واجب است؟ ابوعبدالله فرمودند: عده، صرفاً به خاطر نطفه شوهر است. گفته شد: پس اگر در فرج جماع بکند، ولی نطفه خود را در خارج فرج بریزد،

لذا روایت حلبی با مشکل سندی مواجه نبوده و قابل استناد است.

۲-۱-۳- دلالت روایت: همانطور که ملاحظه شد، امام صادق (ع) می‌فرماید در صورت التقای ختانی، عده واجب است. لغویون عرب، ختان را محل قطع الت مذکر و فرج مونث بیان کرده و اصل ختن را قطع معنا کرده‌اند و نیز التقای ختانات را تقابل موضع قطع ذکر مذکر و فرج اثنا دانسته‌اند (۳۶، ۳۸). بنابراین با توجه به معنای فوق تردیدی باقی نمی‌ماند که تنها در صورت دخول در قُبَلِ اثنا، التقای ختانی به وجود می‌آید نه دخول در دبر اثنا. بنابراین طبق روایت حلبی تنها در صورت وطی در قبل عده واجب است.

۲-۳- روایت محمد بن مسلم: در روایت مذکور امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که همسانش باردار نمی‌شود، بر او عده‌ای نیست.»

۳-۲-۱- سند روایت: در مورد سند این روایت باید گفت، کسی که در ثقه‌بودنش تردید وجود دارد، محمد بن حکیم است، زیرا بر راستگویی وی در کتب رجالی تصریح نشده است؛ درباره او فقط آمده است که امام هفتم (ع) او را فرمان می‌داد که در مسجد مدینه بنشیند و با مردم آنجا به گفتگو بپردازد، هنگامی که به نزد حضرت بازگشت به او فرمود: با آنان چه گفتی و با تو چه گفتند؟ و بدین‌سان، از او خرسند گردید (۶۰)، اما نکته مهم این است که حدیث فوق را صفوان بن یحیی از محمد بن حکیم روایت کرده است؛ صفوان بن یحیی از اصحاب اجماع است (۵۶-۵۵). عنوان اصحاب اجماع، اصطلاحی در علم رجال است که بر گروهی ویژه از راویان احادیث در سده‌های دوم و سوم قمری که از بزرگان پرورش یافته مکتب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا (ع) به شمار می‌روند و بر تصدیق روایاتشان و نیز مقام علمی و فقهاتشان اجماع شده است، اطلاق می‌شود (۶۳). گفتنی است علمای رجال روایاتی را که اصحاب اجماع، هرچند از اشخاص غیر ثقه و مجهول نقل می‌کنند را صحیح می‌دانند (۶۴). بنابراین روایت فوق را چون صفوان از محمد بن حکیم نقل کرده است، هرچند علمای رجال در مورد محمد بن حکیم تصریحی در مورد وثاقتش ندارند، باز هم روایت نامبرده به

مورد نقد قرار گرفت، ادعای اجماع کرده‌اند، لذا چنین اجماعاتی را اصولیان امامیه، معتبر نمی‌دانند و این نوع اجماعات را محتمل المدرکیه می‌گویند که همانند اجماع مقطوع المدرکیه برای قائلان به حجیت اجماع، فاقد اعتبار است (۵۳)، زیرا فقهای امامیه برای اجماع، نقش کاشفیت قائل هستند. بنابراین اگر در مورد اجماع به دلیل لفظی برخورد کنند و اجماع را مستند به آن ببینند، چنین اجماعی را اجماع مستند یا مدرکی نامیده و آن را مردود می‌دانند، زیرا در آن صورت به مدرک و مستند مراجعه کرده، اگر آن را قبول داشته باشند طبق آن عمل می‌کنند، و الا مردود به حساب می‌آورند (۴۹). بنا بر آنچه بیان شد، دلیل اجماع نیز قابل پذیرش نیست.

۳- ادله قول برگزیده

نویسندگان با تتبع در مجامع روایی به ادله‌ای دست یافته‌اند که اثباتگر عدم وجوب عده در صورت وطی و آمیزش از طریق دبر است که در ادامه نقل و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۳- روایت حلبی: در این روایت امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که مردی با زنی دخول کند، هرگاه ختنه‌گاه مرد با ختنه‌گاه زن تماس پیدا کند، مهر و عده واجب می‌شود.»

۱-۱-۳- سند روایت: در کتب رجالی، علی بن ابراهیم (۵۵)، ابن ابی عمیر (۵۶)، حماد (۵۷) و حلبی (۵۵) صراحتاً ثقه معرفی شده‌اند، هرچند علمای علم رجال به ثقه‌بودن ابراهیم بن هاشم (پدر علی بن ابراهیم) تصریح ندارند، ولی در مورد او آمده است که او اولین کسی بود که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرده است (۵۵). همچنین علامه حلی در مورد او گوید من قولی از اصحاب دست نیافتیم که ابراهیم بن هاشم را جرح یا تعدیل کند و روایات نقل شده از او زیاد می‌باشد و ارجح قبول قول ایشان می‌باشد (۵۸). به نظر می‌رسد با توجه به این‌که در روایت حلبی، همه راویان آن امامی و ثقه هستند و تنها در مورد ابراهیم بن هاشم نه عدالتش ثابت شده و نه مذمتی درباره او وارد شده، روایت نامبرده را باید در زمره اخبار حسن قرار دهیم؛ خبر حسن همچون خبر صحیح و موثق نزد اصولیان معتبر می‌باشد (۵۹)،

این روایت می‌توان بیان کرد، این است که ظاهر روایت در مقام بیان قاعده‌ای است که از آن علت حکم نیز برداشت می‌شود که آن علت بارداری یا باردارنبودن زن برای تشخیص نسب فرزند آینده اوست و چون در دخول در دبر بارداری و مشکل تشخیص نسب فرزند وجود ندارد، لذا عده نیز منتفی است. از نظر پزشکی نیز به هیچ وجه امکان بارداری از طریق وطی در دبر وجود ندارد، مگر این که اسپرم به طریقی در واژن وارد شود (۶۵). علاوه بر آنچه ذکر شد، به فرض پذیرش اشکال به این روایت، باز آنچه اثبات شده و دارای دلیل است، لزوم عده در مورد دخول در قبل است و تا زمانی که دلیلی بر لزوم عده برای دخول در دبر وجود نداشته باشد، نمی‌توان حکم به لزوم عده نمود.

افزون بر اشکالات مطروحه، شاید برخی چنین استدلال نمایند که چون عده احترام به نکاح سابق (۵) و حریم زوجیت است (۵۴). از این رو زن مطلقه باید حتی در صورت آمیزش در دبر نیز عده نگه دارد. در پاسخ باید گفت: اگر احترام به نکاح سابق و مراعات حریم زوجیت در صورت طلاق، از ملاکات مد نظر شارع برای وضع عده بود، می‌بایست حتی زنان صغیره، یائسه و غیر مدخوله هم به خاطر ملاکات و مناسبات مذکور عده نگه دارند، در حالی که عده‌ای بر این اشخاص نیست.

نتیجه‌گیری

وطی در دبر که از اقسام آمیزش نامتعارف است، به هیچ وجه از نظر پزشکی مورد توصیه قرار نگرفته است، چراکه هم بر زن و هم بر مرد آثار زیان‌باری دارد. اثر وطی در دبر صرفاً در مسائل پزشکی خلاصه نمی‌شود، بلکه این نوع آمیزش پیامد فقهی نیز دارد و بر وجوب عده تأثیرگذار است. این پیامد در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفت که با نگاه اجمالی به ادله قائلان و طرفداران وجوب عده در صورت وطی در دبر، می‌توان دریافت که ادله مزبور اثباتگر این اطلاق نیستند. استناد به آیه شریفه ۴۹ سوره مبارکه احزاب و روایت عبدالله بن سنان در خصوص وجوب عده در صورت مطلق وطی صحیح نیست؛ اجماع نیز که آخرین دلیل این دسته از

علت نقل یکی از اصحاب اجماع از محمد بن حکیم در زمره احادیث صحیح قرار می‌گیرد، لذا از نظر سندی اشکالی بر این روایت وارد نیست.

۲-۳- دلالت روایت: همانطور که در روایت ملاحظه شد، موضوع حکم، لاتحبل مثلها است، یعنی زنی که همسانش باردار نمی‌شود، لذا بدیهی است زنی که از دبر وطی شده است قطعاً باردار نمی‌شود. بنابراین موضوع حکم (زنی که همسانش باردار نمی‌شود)، مسأله ما را نیز دربر می‌گیرد، چراکه مسأله ما وطی در دبر انثا است که قطعاً همسانش باردار نمی‌شود. بنابراین وقتی مسأله ما در گستره موضوع حکم مذکور قرار گرفت، حکم همان موضوع که عدم عده است مشمول بحث ما نیز می‌شود. شاید مستشکلی این ایراد را مطرح کند که مواردی یافت می‌شود که با وجود این که در گستره موضوع حکم مذکور قرار می‌گیرند، ولی فقیهی در آن موارد، قائل به عدم وجوب عده نیست. به عنوان مثال در مواردی همچون نازآبودن زن و یا عقیم‌بودن همسر زن که موجب عدم بارداری است فقیهی قائل به عدم وجوب عده نیست، در حالی که این موارد در گستره موضوع حکم قرار می‌گیرند؛ در پاسخ می‌توان گفت: نازایی یک عیب آشکار نیست و به راحتی قابل تشخیص نیز نیست، لذا ظاهر زن نازا با ظاهر زنان دیگر متفاوت نیست که بتوان از ظاهر حکم به نازآبودن و در نتیجه حکم به عدم عده نمود. پس این که روایت می‌فرماید: «التي لاتحبل مثلها» مراد زنانی هستند که عادتاً و با توجه به ظاهرشان می‌توان حکم به نازآبودنشان کرد.

اشکال دیگری که ممکن است به برداشت فوق وارد شود، این است که درست است موضوع حکم در این روایت لاتحبل مثلها است، اما علت حکم معلوم نیست که باردارشدن یا باردار نشدن زن باشد. با این توضیح که درست است زنانی که عادتاً باردار نمی‌شوند، عده نداشته باشند و زنانی که عادتاً باردار می‌شوند، عده داشته باشند، ولی این نکته ارتباطی به دخول از قبل یا دبر ندارد و برای حکم به عده مهم دخول است از هر طریقی. بنابراین مهم این است که نوع آن زن عرفاً باردار می‌شود و نفس باردارشدن، هرچند منوط به دخول در قبل است، ارتباطی به حکم نداشته باشد. پاسخی که در اشکال به

فقهها است، بنا بر دلایلی مردود است. بنابراین با توجه به رد دلایل مورد استناد و عدم وجود دلیلی معتبر جهت وجوب عده در صورت وطی در دبر، نمی‌توان زنان را، هرچند به صورت موقت از ازدواج به عنوان حق طبیعی و شرعی محروم کرد. علاوه بر این که قول اطلاق دلیل محکمی ندارد در مقابل، روایاتی مؤید قول به عدم وجوب عده بر وطی در دبر است، از جمله روایت حلبی که عده را منوط به التقای ختانبین کرده است. همچنین در روایت محمد بن مسلم، موضوع حکم (لاتحبل مثلها)، مسأله وطی در دبر اثنا - که قطعاً همسانش باردار نمی‌شود - را دربر می‌گیرد. از این رو حکم آن موضوع که عدم وجوب عده است، شامل وطی در دبر نیز می‌شود. بنابراین با وجود دلایل روایی که تنها دلالت بر وجوب عده در صورت وطی در قبل دارند، نمی‌توان قائل به وجوب عده در صورت وطی در دبر شد و از ازدواج مجدد اناث جلوگیری کرد. با توجه به نتیجه فقهی مطروحه، می‌توان ماده ۱۱۵۵ ق.م.را اصلاح نمود و در آن صراحتاً نزدیکی را محدود به نزدیکی قبل نمود یا دست کم در تفسیر این ماده و رویه قضایی، این نکته را مورد توجه قرار داد که مراد از نزدیکی، فقط نزدیکی از طریق قبل است.

References

1. Dehkhoda A. Loghatname Dehkhoda. Tehran: Tehran University; 1377. p.130.
2. Katoozian N. Family Law. Tehran: Mizan; 1385. p.30.
3. Safaee SH, Emami A. Family Law. Thran: Tehran University; 1385. p.119.
4. Jafarilangeroodi MJ. Mohashaye qanoone madani. Tehran: Ganjedanesh; 1391. p.1030
5. Emami SA. Civil Law. 3rd ed. Tehran: Islamiye Book Store; 1334. p.114.
6. Mohagheghdamad SM. Jurisprudential examination of the familyLaw - marriage and its dissolution. Qom: No Name; No Date. p.461.
7. McBride KR, Fortenberry JD. Heterosexual Anal Sexuality and Anal Sex Behaviors: A Review. *Journal of Sex Research* 2010; 47(2): 123-136.
8. Alford S. Science and success, Sex Education and Other Programs that Work to Prevent Teen Pregnancy, HIV & Sexually Transmitted Infections, advocates for youth. Washengton DC: No Name; 2008. p.35.
9. Panahi A. Maharathaye zendegi vije moteahelin. Nahad namayandegi mmagham moazam Rahbari dar daneshgahha. Qom: Daftar Nashr Maaref; 1392. p.90-91.
10. Available at: <http://www.Tebyan.net>.
11. Nordqvist C. What you need to know about anal cancer. published online. 2017. Availble at: <http://www.medicalnewstoday.com>.
12. Marston C, Lewis R. Anal heterosex among young people and implications for health promotion: A qualitative study in the UK. *Bmj open*. No Place: No Publisher; 2014. Availble at: <http://www.medicalnewstoday.com>.
13. Sheikh Mofid M. Women rules. 1st ed. Qom: World Congress of the Millennium Sheikh Mofid; 1413. p.43.
14. Sheikh toosi MH. Al-Nahayah fi mojarad al-feghh val-fatavi. Beirut: Dar al-ketab al-Arabi; 1400. p.531.
15. Ebneboraj QA. Al-Mohazab. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1406. p.315.
16. Ebneedris M. Al-Saraeralhaviletahrir al-fatavi. 2nd ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1410. p.731.
17. Fazelabi H. Kashf al-Romooz fi sharh-e mokhtasar al-nafe. 3rd ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1996. p.232.
18. Ebnefahadhelli J. Almohazab al-bare fi sharhe al-mokhtasar al-nafe. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1407. p.481.
19. Fazelhendi M. Kashf al-lesamval- iham an ghavaed al ahkam. 3rd ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1416. p.990.
20. Sheikh Johari E. Al-Sehahtaj al-loghahvasehah al-arabiah. 1st ed. Beyroot: Dar al-Elm; 1410. p.211.
21. Shahidsani Z. Al-Rozah al-bahiah. 1st ed. Najaf: Jameah al-Najaf al-Diniah; 1410. p.58.
22. Mohagheghkaraky. Jame al-maghased. 1st ed. Qom: Al al-Bait; 1411. p.497.
23. Emam Khomeini R. Sahifenoor. Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1370. Vol.15 p.335.
24. Helli H. Tahrir al-Ahkam al-shareiah. Qom: Imam Sadegh Organization; 1420. p.151.
25. Bahrani U. Al-hadaegh al-nazerah fi ahkamel-etrat al-taherah. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1405. p.393.
26. Kashefolgheta H. Anvar al-feghahah-ketab al-Talagh. Najaf: Kashefolgheta Organization; 1422. p.35.
27. Ameli M. Nahayah al-maram fi sharhe mokhtasar sharaye al-eslam. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1411. p.77.
28. Seyedtabatabaii MK. Al-orvatolvosgha. Qom: Islamic Publication Organization; 1420. p.284.
29. Sheikh Toosi MH. Al-Tabayan fi tafsir al-Quran. Beirut: Dar al-Ahyaattras al-Arabi; No Date. p.351.
30. Tabarsi F. Majmaolbayan fi tafsirel Qoran. 3rd ed. Tehran: Naserkhosro; 1372. p.145.
31. Tabatabaii MK. Almizan fi tafsir al-Qoran. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1417. p.334
32. Farahidi KH. Ketab al-Ain. 2nd ed. Qom: Hejrat; 1410. p.208.
33. Sahib Ebneabad E. Al-Mohit fi al-loghah. 1st ed. Bairut: Alam al-Ketab; 1414. p.260.
34. Ebne Fares A. Moejam maghis al-Loghah. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1404. p.271.

35. Raghebesfahani H. Mofradat alfaz al-Qoran. 1st ed. Bairut: Darol Ghalam; 1412. p.766.
36. Ebnemanzoor A. Lesan al-Arab. 3rd ed. Beirut: Darolfekr Letabaah Vanashr Val-Tozi; 1414. p.217.
37. Fiom A. Al-Mesbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lerafeii. Qom: Darol Hejrah; 1414. p.572.
38. Tarihi F. Majmae Al- Bahrein. 3rd ed. Tehran: Mortazavi; 1375. p.106.
39. Vasetizobeidi M. Tajol aroos men javaher al-Ghamoos. 2nd ed. Bairut: Darol Fekr Val-Tabaah; 1414. p.473.
40. Tabatabaai A. Riaz al-Masel. 1st ed. Qom: Al al-Bayt; 1418. p.284.
41. Najafi M. Javaher al-kalam fi sharhe sharaye al-islam. 7th ed. Beirut: Dar al-Ahyaatras al-Arabi; 1404. p.213.
42. Marashi Najafi SH. Al-Serghah ala zooel Qoran val sonnahn. 1st ed. Qom: Ayatoollah Marashi Najafi Library Pub; 1424. p.223.
43. Emam Khomeini R. Sahifenoor. Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1370. Vol.15 p.306.
44. Sharif Morteza A. Al-Zariah ela osool al-shareiah. 1st ed. Tehran: Tehran University; 1363. p.15-16.
45. Ardabili A. Majmaolfaedah val-borhan fi sharhe ershad al-azhan. sharhe Araghi AM. Qom: Daftare Entesharate Eslami Vabaste be Jamee Modaresine Hoze Elmie Qom; 1403. Vol.13 p.304.
46. Sobhanitabrizi J. Alvasit fi osool al-feghh. 4th ed. Qom: Mosese Emam Sadegh; 1388. Vol.2 p.287.
47. Ebneasir M. Al-Nahayah fi gharib al-hadis val-asar. 1st ed. Qom: moasese matbooati Esmailian; 1367. p.423.
48. Naeni MH. Ajvad al-taghrirat. 1st ed. Qom: Matbae al-Erfan; 1352. p.532.
49. Makaremshirazi N. Anvar al-osool. 2ed ed. Qom: Entesharate Madrese Ali Ebne Abitaleb A; 1428. p.188.
50. Sheikhtoosi MH. Tahzib al-Ahkam. Research by Mossavi H. 4th ed. Tehran: Darolkotob al-Eslamiah; 1407. p.166.
51. Koleini M. Alkafi. 4th ed. Tehran: Darolkotob al-islamiah; 1407. p.543.
52. Horameli MH. Tafside Weshail al-Shi'a ela masael al-Shariah. 1st ed. Qom :Al al-Bait; 1409. p.329.
53. Ganaty MI. Sources of ijtihaad from the point of view of Islamic religions. 1st ed. No Place: No Name; No Date. p.219.
54. Makaremshirazi N. Akkame banovan. 11th ed. Qom: Entesharate Madrese Ali Ebne Abitaleb; 1428. p.406.
55. Najashi A. Rejal al-Najashi. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1986. p.231, 260.
56. Toosi MH. rejal al-Toosi. 3rd ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1376. p.365.
57. Helliiebnevadood H. Al-Rejal le Ebne Davood. 1st ed. Tehran: Tehran University; 1342. p.131.
58. Helli H. Rejal Alame Helli. 2nd ed. Najaf Ashraf: Dar al-Zakhaer; 1411. p.5.
59. Mirzayeghomi A. Qavanin al-osool. 2nd ed. Tehran: Maktab al -Elmiah al-Eslamiah; 1378. p.484.
60. Kashi M. Rejal al-Kasha ekhtiar marefah alrejal. 1s ed. Qom: Moasese Al al-Bayt; 1363. p.746.
61. Toosi MH. Al-Tabayan fi tafsir al-Quran. Beirut: Dar al-Ahyaatras al-Arabi; No Date. p.359.
62. Najashi A. Rejal al-Najashi. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society; 1365. p.97.
63. A group of researchers. Farhange Feghh motabegh mazhab Ahle bait Alaihemosalam. 1st ed. Qom: Moasese Dayeratolmaaref Feghe Eslami bar Mazhabe Ahle Bait Alaihemosalam; 1426. p.509.
64. Mohagheghdamad SM. Mabaehi az osoole feghh. 1st ed. Tehran: Markaze nashre oloome eslami; 1362. p.61.
65. Rosenthal SM. The pregnancy source book: everything you should know. No Place: Lowell House; 1995. p.118.